تلاش تازه پاپ برای ایجاد تفاهم عقیدتی با مسلمانان در راستای گفت و گوی اسلام و مسیحیت

سعداله مسعودیان

پاپ ژان پل دوم در یک سخنرانی در ماه می 1999، قدم مهمی برای ایجاد تفاهم عقیدتی بین اسلام و مسیحیت برداشت. سخنرانی وی که در راستای آماده سازی زمینه های گفت و گوی بین ادیان بزرگ صورت گرفت (1) ،از برخی جهات حائز اهمیت و قابل تامل است. پاپ طی سخنانی در باره گفت و گوی با اسلام گفت: 1- امروز جهت تعمیق موضوع گفت و گو بین ادیان، مایلم تا در باره گفت و گو با مسلمانان تامل کنیم. آنان بر اساس «اندرزنامه نورملتها» همراه با ما، خدای واحد و رحیم را می پرستند. کلیسا به مسلمانان با احترام می نگرد و معتقد است ایمان آنان به خدای تعالی، به تکوین خانواده بشری جدید، مبتنی بر آرمانهای والا و قلبی انسان، کمک می کند.

مسلمانان مانند یهودیان و مسیحیان، به ابراهیم به عنوان الگویی از تسلیم مطلق در برابر دستورات خدا می نگرند. مسلمانان می کوشند به پیروی از ابراهیم، جایگاه خدا را به عنوان هدایت کننده و مقصود نهایی همه موجودات در زندگی خود بازیابند. (پیام خطاب به مسلمانان به مناسبت پایان ماه رمضان سال 1997 میلادی شورای پاپی گفت و گوی بین ادیان) مظهر این آمادگی و تسلیم انسان در برابر خواست خدا، دعا است. دعا نشانگر موفقیت ذاتی هر انسان در برابر خالق خود می باشد.

حضرت مریم باکره، مادر مسیح که نسل او به خاندان ابراهیم باز می گردد، در همین مسیر تسلیم ابراهیم قرار دارد. مسلمانان نیر با احترام به او می نگرند و این امر بویژه در احساسات مذهبی مردم مشاهده می شود.

2- ما مسیحیان با شادی بر ارزشهای مشترک موجود بین مسیحیت و اسلام تاکید می کنیم. امروز مایلم به سخنرانی خود خطاب به جوانان مسلمان در کازابلانکا اشاره کنم:«ما به یک خدا اعتقاد داریم; یعنی خدای واحد و زنده که جهان را آفریده و موجب تکامل مخلوقات خود می باشد». در متون نازل شده عهد عتیق با یک صدا بر توحید الهی تاکید شده است. مسیح نیز بر آن تاکید می کند و گواهی بنی اسرائیل را از آن خود می داند: «خدا که رب ماست، یگانه رب است: انجیل مارکوس 29/12 و عهد عتیق سفراعداد آیات 4 و 5». کلمات حمد که از قلب پائولوی مقدس برمی خیزد نیز بر توحید الهی تاکید می کند:« باری پادشاه سرمدی و باقی و نادیده را، خدای حکیم وحید را اکرام و جلال تا ابدالاباد باد،آمین ». (نامه اول پولس رسول به تیموتاوس، آیه 17) ما مسیحیان می دانیم که در پرتو وحی کامل از طریق مسیح، توحید اسرارآمیز خدا در چارچوب یک واحد عددی محدود نمی شود و بر اساس راز مسیحیت، ما در توحید ذاتی خدا شخصیتهای پدر، پسر و روح القدس را مشاهده می کنیم. هر کدام از این سه شخص، دارای ذات لاینفک الهی اند و در عین حال، از همدیگر متمایزند و این به لطف رابطه متقابل موجود بین آنان است.

3- این رابطه (بین سه شخص) به هیچ وجه موجب تضعیف توحید الهی نیست. شورای لاترانزه چهارم که در سال 1215 برگزار شد، به خوبی این نکته را روشن کرد: هر کدام از سه شخص «آن واقعیت » است (با حروف درشت نوشته شده و منظور از آن واقعیت، خداست) یعنی ذات و طبیعت الهی است. این ذات الهی متولد نمی کند و متولد نمی شود و ناشی هم نمی شود. مکتب مسیحی در باره تثبیت که شوراهای کلیسایی بر آن تاکید می کنند، با صراحت هر نوع بت پرستی و پرستش سه خدا را رد می کنند. از این نظر، یعنی در ارتباط با اعتقاد به توحید ذات الهی، بین مسیحیت و اسلام، تطابق قابل توجهی وجود دارد، اما این تطابق نباید باعث شود که نکات اختلافی موجود بین دو دین فراموش شود. ما مسیحیان می دانیم که توحید الهی در راز سه شخص الهی بیان می شود. خدا عشق است ( انجیل جووانی، آیات 4 تا 8) و از ازل پدر بود و خود را به طور کامل وقف کرد و از این طریق، فرزند را متولد می کند. بین این دو، یعنی پدر و پسر، پیوند عشق وجود دارد و این پیوند، یعنی روح القدس، این تمایز و نفاذ متقابل بین سه شخص، به توحید الهی اضافه نمی شود، بلکه عمیقا و به طور مشخص، بیانگر آن است.

از سوی دیگر، نباید فراموش کنیم که توحید و تثلیث که از ویژگیهای خاص مسیحیت می باشد، رازی است که عقل انسان نمی تواند آن را درک کند، اما عقل انسان دعوت می شود تا وحی درباره ذات درونی خدا را بپذیرد.

4- گفت و گوی بین ادیان، آیه ای از امید است و باعث می شود که همدیگر را عمیقتر بشناسیم و به همدیگر احترام بگذاریم( رجوع شود به پیام خطاب به مسلمانان، رمضان 1998 شورای پاپی گفت و گوی بین ادیان) در دو سنت مسیحی و اسلامی، در طول تاریخ، تحقیقات، تفکرات فلسفی، تئولوژیکی و نیز هنر، ادبیات و علوم مشاهده می شود و این میراث بر فرهنگهای غربی و شرقی تاثیر گذاشته است. پرستش خدای واحد که خالق همه است، ما را وادار می کند تا در آینده، شناخت متقابل را تحکیم کنیم.

در جهان امروز که از خدا غافل است، مسیحیان و مسلمانان فراخوانده می شوند تا همیشه با روح عشق، از شؤون انسانی، ارزشهای اخلاقی و آزادی دفاع کنند.مسیر مشترک به سوی ابدیت، باید در دعا و روزه و عشق ورزی به دیگران و نیز در کوشش برای استقرار صلح و عدالت و ترفیع انسانی و دفاع از محیط زیست بیان شود. دو دین با پیمودن راه آشتی، با تسلیم در برابر خواست خدا و با رد توسل به هر نوع خشونت برای حل اختلافات، می توانند آیه ای از امید باشند و جهان را با نور حکمت و رحم خدای واحد که خانواده بشریت را خلق کرد و پرورش می دهد، منور کنند.

سخنرانی پاپ دارای سه محور کلی است:

1- برشمردن نکات مشترک اعتقادی بین مسیحیان و مسلمانان

2- توجیه نگاه مسیحیت به توحید الهی و تثلیت

3- ارائه راه و مسیر مشترک پیروان دو آئین در آینده

1/الف) در بخش اول، پاپ در گفت و گو با اسلام، نکات مشترک اعتقادی مسیحیان و مسلمانان را چنین برشمرد:

الف - مسلمانان و مسیحیان خدای واحد و رحیم را می پرستند.

ب - پیروی از حضرت ابراهیم و تعظیم بر تسلیم وی در برابر دستورات خدا توسط مسیحیان و مسلمانان.

ج - احترام به حضرت مریم(س).

د - دعا به درگاه خدا، به عنوان عملی از سوی مسلمانان و مسیحیان برای ابراز تسلیم در برابر او و مظهر آمادگی پیروان این دو آئین برای رسیدن به مقصود نهایی، یعنی خدا.

1/ ب) پاپ با توجه به اینکه در سخنرانی خود به طور مشروح به تبیین «توحید الهی » در مکتب کاتولیکی پرداخته، محتوایی ترین بخش سخنان وی، مربوط به این مورد است، تلویحا بزرگترین عامل تفرق دو دین را در نگاههای متفاوت آنان به خدا دانسته است.

1/ج) وی برای تاکید بر نزدیک دانستن نظرات دو دین در باره خدا و توحید الهی، ده بار در سخنرانی کوتاه خود بر اعتقاد به «خدای یگانه » اشاره مستقیم می کند. این سخنرانی از این بابت که پاپ چنین پافشاری بر یکتاپرستی دارد، کم نظیر است. جملات وی در این باره چنین اند:

- آنان (مسلمانان) همراه با ما، خدای واحد و رحیم را می پرستند.

- ما به یک خدا اعتقاد داریم

- خدای واحد و زنده جهان را آفریده، موجب تکامل مخلوقات خود می باشد.

- خدا که رب ماست، یگانه رب است. (انجیل مارکوس 29/12 و تورات 45/6)

- پائولوی مقدس بر توحید الهی تاکید می کند

- ذات الهی متولد نمی کند، متولد نمی شود و ناشی هم نمی شود.

- مکتب مسیحی در باره تثلیث، با صراحت هر نوع بت پرستی و پرستش سه خدا را رد می کند.

- در اعتقاد به توحید ذات الهی، بین اسلام و مسیحیت تطابق وجود دارد.

- پرستش خدای واحد که خالق همه ماست، ما را بر آن می دارد تا شناخت متقابل را تحکیم کنیم.

- نور حکمت و رحمت خدای واحد که بشر را خلق کرد...

1/د) در حقیقت، پاپ با استفاده صریح از عبارات بالا، درصدد برآمده تا تصویر اعتقاد مسیحیت در میان مسلمانان را یک تصویر مخدوش و برخاسته از سوء تفاهم وانمود نماید و با اعترافهای مکرر خود نسبت به توحید الهی، ضمن تطهیر مسیحیت از شرک و برداشت غلط مسلمانان از تثلیث، مسیحیان را در باره اصل توحید با مسلمانان مشترک العقیده قلمداد کند.

2/الف) پاپ برای جبران زیاده روی در همسویی با مسلمانان در باب ادعای یکتاپرستی مسیحیت و در جهت مصون ماندن از حمله و انتقاد مسیحیان محافظه کار و سنتی به اتهام وادادگی و یا از نگاهی دیگر، برای اینکه در ذهن مخاطبین، سخنرانی وی یک عقب نشینی اعتقادی تلقی نگردد، علی رغم اعترافات صریح به یگانکی ذات خدای متعال، به توجیه تثلیث مسیحی می پردازد. در مجموعه استدلالهای وی در این خصوص، تلاش شده است تناقض و تضاد بین توحید و تثلیث، به حداقل ممکن برسد.

2/ب) در رفع تناقض بین توحید و تثلیث، پاپ خود را در چارچوب یک واحد عددی، محدود نمی کند و به اصطلاح، «یک » را مقابل «سه » قرار نمی دهد. شاید به نحوی از انحا وی در پی بیان دیگری از فلسفه «وحدت وجود» و وحدت در عین کثرت برآمده است. در این مورد می گوید:

- در توحید ذاتی خدا، شخصیتهای پدر، پسر و روح القدس مشاهده می شوند.

- هر کدام از این سه شخص (پدیده) دارای ذات لاینفک الهی اند و در عین حال، از همدیگر متمایزند.

- تمایز و نفاذ متقابل بین سه شخص (خدا از ازل پدر بود و از این طریق، با وقف کامل خود، فرزند را متولد کرد که عشقی بین این دو که همان روح القدس است، وجود دارد) به توحید الهی اضافه نمی شود، بلکه بیانگر توحید الهی است.

- توحید و تثلیث، رازی است که عقل انسان نمی تواند آن را درک کند. عقل انسان در این باره، دعوت می شود که وحی در باره ذات درونی خدا را بپذیرد.

همان طور که مشاهده می شود، پاپ نیز خود قبل از اینکه تاثیر بند سوم کلامش را در توجیه تمایز و نفاذ خدا و سه شخص را در ذهن و عقل مخاطب ببیند، به تنافر عقلانی این استدلال آگاه است و ناگزیر، درک نکردن عقل انسانی را از رابطه تثلیث و توحید، واقعیتی آشکار می داند و به دلیل رازگونه بودن تثلیث توحید مسیحی، انسانها را فرا می خواند که چون عقلشان آن را درک نمی کند، چاره ای جز پذیرش آن ندارند.

3/الف) پاپ با اشاره به اینکه مسیحیان و مسلمانان در طول تاریخ واجد تحقیقات، تفکرات، فلسفه، تئولوژی، هنر، ادبیات و علوم دیگر بوده اند و اکنون به عنوان میراث بشر در عصر حاضر هستند و اینکه به خدای واحد و خالق بشریت اعتقاد دارند، [آن را] مناسبترین بستر و زمینه برای انجام گفت و گو و شناخت متقابل این دو دین ذکر می کند.

3/ب) راه آینده گفت و گو از نگاه پاپ با حفظ شؤون انسانها، ارزشهای اخلاقی و دفاع از آزادی میسر است. مباحث احسان به دیگران، کوشش برای استقرار صلح و عدالت، ترفیع مقام انسانی، دفاع از محیط زیست، رد توسل به خشونت برای حل اختلافات، از جمله موضوعاتی هستند که رهبر کاتولیکهای جهان، از آنها برای گفت و گوی پیروان و رهبران دو دین نام برده است.

- در مجموع، برداشت می شود که واتیکان مایل است مسلمانان بپذیرند در گفت و گو با مسیحیان، بر اصول اختلافی پافشاری نکرده، با تلقی اینکه اختلاف و تمایز قابل توجهی در اعتقادات اصولی و اولیه بین دو آئین وجود ندارد و درک متقابل از اختلافات جزئی اعتقادی بین پیروان و گفت و گو کنندگان فراهم است، به گفت و گو بنشینند.

منبع: سفارت ج.ا.ا. واتیکان

پی نوشت:

1) پاپ طی ماههای آوریل و می 1999، در سه سخنرانی در روزهای یکشنبه، بحث گفت و گو با یهودیت، اسلام و هندوئیسم را پیش کشید. سومین سخنرانی پاپ در مورد گفت و گو با اسلام در 5 ماه می بود.